



مضامین و مفاهیم اعتراضی در شعر شاعران مقاومت با تاکید بر اشعار قزوه

ناهید همتی^۱

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنجد، دانشگاه آزاد اسلامی، سنجد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۵

چکیده

ادبیات پایداری مجموعه‌ایی از آثار ادبی است که شالوده اصلی آن مقاومت مردم یک کشور در راه پاسداری از وطن و پایداری در برابر ظلم است و ادبیات انتقادی و اعتراضی فریاد برآمده از دل شاعران متعهدی است که بر کاستی‌ها و ناهنجاری‌ها و بر بی‌عدالتی‌های صورت گرفته در جامعه؛ مهر صحنه و درستی نمی‌گذارند و با فریاد آزادگی و استقامت تازیانه کلام را بر ظالمان فرود می‌آورند و هدف آنان ایجاد روحیه پایداری در مردم است و کلام ادبی را در خدمت تعالی انسان و ظلم ستیزی، عدالت‌جویی قرار می‌دهند و پایداری ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس توانست، افق‌های تازه‌ای در حوزه‌های گوناگون از جمله شعر و ادبیات بگشاید و شاعران ادبیات پایداری با احساس دین و تعهد در مقابل مردم؛ فرصت خلق آثار انتقادی ارزشمندی برای خود رقم زدند و با مضامین و مفاهیم مختلفی چون مضامین عاشورایی و عرفانی، توصیف آزادی و آزادگی، شهادت‌طلبی، وطن‌دوستی و مهم‌تر از همه مضامین اعتراضی (اعتراض به تجمل‌گرایی و دنیاطلبی) موجی از اعتراض در شعر شاعران مقاومت به‌ویژه علیرضا قزوه به وجود آمد که در این مقاله به بررسی اشعار اعتراضی و انتقادی این شاعران به روش تحلیلی و توصیفی پرداخته شده که به پیش‌تاز بودن قزوه در این زمینه باهدف اصلاح ناهنجاری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و تلاش در تبیین و بیداری مردم منتج گردیده است.

^۱ . hemati.kord@yahoo.com.

واژگان کلیدی: ادبیات مقاومت، پایداری، اعتراض، قزوه، شهیدان

۱. مقدمه

شعر پارسی در طول تاریخ هزار و چند صدساله خود، شاهد فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است، گاه در قالب‌ها و گاه در محتوا و مضامین دچار افت و خیزهای بسیار شده است و در دوره ای، یک نوع ادبی با عنوان ادبیات پایداری و مقاومت با مفاهیم و مضامینی دینی و ارزشی و اعتقادی بیشتر از دیگر انواع ادبی مورد توجه سراینندگان قرار گرفت و شعر دهه شصت رami توان اوج تجلی ادب پایداری در شعر ایران زمین دانست. ادبیات پایداری از ابتدای تشکیل مدنیت جوامع بشری وجود داشته است، تشکیل حکومت‌های جابر، سرکوبگر و قدرت طلب، انگیزه‌ای نیرومند برای ایجاد و توسعه ادبیات پایداری در جهان بوده و کشورهایی که در طول تاریخ با چنین حاکمیت‌هایی دست‌به‌گریبان بوده‌اند، ادبیاتی از این سنخ را به وجود آورده‌اند. ادبیات مقاومت، آینه تمام‌عیار مقاومت مردم یک جامعه، در برابر تهدیدها و هجوم بیگانگان و دشمنان داخلی و خارجی است. مفاهیم و مضامین فراوانی در شعر شاعران مقاومت مانند مضامین اعتراض و انتقاد، مضامین عاشورایی و عرفانی، غفلت از یاد شهیدان، توصیف آزادی و آزادگی، اعتقادات و باورهای مذهبی، شهادت طلبی، انتظار و امیدواری، نکوهش عافیت طلبی و دنیازدگی و بیزاری از آن، اعتقادات فرا وطنی و صلح‌دوستی، وطن‌دوستی، دشمن‌ستیزی، حماسه و اسطوره و... وجود دارد که در این مقاله سعی بر آن شده است که به مضامین و مفاهیم اعتراضی در انواع مختلف، از نگاه شاعران مقاومت و پایداری به‌ویژه قزوه و رحمدل پرداخته شود. همه مضامین یادشده را می‌توان از مضامین پایداری و مقاومت به شمار آورد. دغدغه اصلی شاعران و نویسندگان این نوع ادبیات، تلاش برای بیدار کردن کسانی است که رفاه و آسایش در سایه قدرت، آن‌ها را از درد و رنج ملت خویش غافل کرده است و سعی دارند برای آگاهی و بیداری مردم جامعه با بهره‌گیری از باورهای اعتقادی و مذهبی، اسطوره‌های ملی و تاریخی و عزت، وطن‌دوستی و دفاع از سرزمین در مقابل بیگانگان را در بین مردم زنده کنند. هدف اصلی ما در این پژوهش بر آن است که با روش توصیفی و تحلیلی، مفاهیم و مضامین اعتراضی ادبیات مقاومت را در شعر شاعران معاصر به‌ویژه علیرضا قزوه را بررسی نماییم.

۱-۱. بیان مساله

در ادبیات ایرانی و اسلامی آثار و اسنادی در خصوص مباحث انتقادی وجود داشته و دارد و که هدف آن‌ها نقد اوضاع اجتماعی و نوعی فریاد در مقابل عوامل چنبر زده بر مال و جان و فکر و... در جوامع بوده و پیدایش آن را

باید در آشفته‌گی‌های اجتماعی دوران مختلف در نظر گرفت. شاعران ادبیات مقاومت و پایداری در مقابل مردم احساس دین و تعهد کرده و این همان التزامی است که ژان پل سارتر و بصیری نیز آن را چنین بیان کرده‌اند: غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه است. تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی، برای تحری حقیقت و برای آزادی انسان و از این‌روست که نویسنده در مقابل عملی که می‌کند مسئول است. برای چه می‌نویسد و دست به چه اقدامی زده است و چرا این اقدام مستلزم توسل به نگارش بوده است. (سارتر، ۱۳۸۸) ادبیات پایداری همان مجموعه آثار ادبی است که مقاومت و پایداری و مجاهدت مردم یک کشور و سرزمین را به نمایش می‌گذارد و بایبان مظلومیت ملت‌ها، بی‌رحمی و خشونت‌های دشمن را نشان می‌دهد و موضوع اصلی آن مقاومت در برابر ستم و ظلم و ارمغان آور آزادی و پیروزی و امید است. «عنصر اساسی ادبیات پایداری تعهد است.» (بصیری، ۱۳۸۷)؛ و به عقیده کافی نیز «ادبیات مقاومت، بازتاب برخی دردهای مشترک، میان تمام جوامع بشری است که شاعران به‌عنوان وجدان آگاه جامعه آن‌ها را فریاد می‌زنند.» (کافی، ۱۳۸۷).

تأمل و تحقیق در حوزه شعر و ادبیات پایداری و تبیین ابعاد گوناگون آن، از ضرورت‌های انکارناپذیر است و به‌صورت موردی و محدود پژوهش درباره شاعران مورد نظر انجام شده است، اما به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی مضامین ادبیات پایداری به‌صورت کامل تاکنون پژوهشی اساسی در خصوص نگاه اعتراضی قزوه مورد توجه جدی پژوهشگران و محققان قرار نگرفته است و ضروری است که پژوهشگران و محققان و ادب‌دوستان در این زمینه با رغبت و انگیزه بیشتری اقدام نمایند، زیرا این ادبیات در نوع خود زیباترین جلوه‌های ادبی را به خود اختصاص داده است و مشاهیر توانمند کشورمان در موضوعات مختلف به‌خصوص در عرصه ادبیات پایداری و مقاومت توانسته‌اند با داشتن آثار متنوعی در زمینه‌های مختلف شعر، به خلق آثاری در زمینه ادبیات پایداری و مقاومت بپردازند و دین خود را به وطن و انقلاب و ارزش‌ها و شهدای هشت سال دفاع مقدس ادا نمایند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

با توجه به ضرورت پرداختن به نگاه انتقادی پژوهشگران که پیشتر به آن اشاره گردید؛ در راستای این مهم پژوهشگرانی دغدغه مند، بخشی از تحقیقات خود را به این مبحث اختصاص داده‌اند که به‌اختصار به ذکر چند نمونه می‌پردازیم: مقاله‌ای با موضوع ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده، موسوی گرمارودی، هادی خدیور و سکینه موسایی پرنده. (۱۳۸۹) نوشته شده که نگارندگان در پی پاسخ به این سؤال بوده‌اند که رویکرد صفارزاده به ادبیات پایداری چگونه بوده و کدام‌یک از مولفه‌های ادب پایداری در اشعار او انعکاس داشته است؟

یکی از این جلوه‌ها، پایداری در برابر دشمن خارجی است که بیشترین مولفه‌های آن آزادی‌خواهی، استعمارستیزی، صلح‌طلبی، شعر انقلابی و امید و خوش‌بینی بوده است. پایداری در برابر دشمن داخلی و پایداری در برابر نفس نیز در اشعارش بسامد زیادی دارد و شاعر بر مولفه‌هایی چون عدالت‌طلبی، مفاسد اجتماعی، فقر، مبارزه با بی‌هویتی و ستم‌ستیزی، بسیار تأکید می‌کند. مقاله‌ای دیگری با عنوان جلوه‌های اعتراض و مقاومت در شعر شفیع کدکنی توسط عباس باقی نژاد (۱۳۹۶) نوشته شده که در آن ضمن معرفی شفیع کدکنی به‌عنوان شاعری معترض از دهه پنجاه، ابعاد و جنبه‌های اعتراضی اشعارش، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و به مختصات و چگونگی افشاگری، ترسیم چهره‌ای منفور از دشمن، نکوهش ترس، سکون و انفعال، توصیه به مقابله، ستایش ایستادگی مبارزان که به اشکال مختلف در شعر او ظهور و تجلی یافته‌اند، پرداخته شده است. مقاله‌ای دیگر با عنوان بررسی تطبیقی درونمایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه توسط سید محسن حسینی مؤخر و سید حمید نجات (۱۳۹۵) نوشته شده که در آن به بررسی شعر این دو شاعر پرداخته شده و به این نتیجه رسیده که اشعار اعتراضی آنان عمدتاً در دو جهت سیاسی و اجتماعی است البته اعتراض‌های شعری احمد مطر علیه حاکمان عرب بوده، بیشتر اعتراض‌های سیاسی است حال اینکه اعتراضات قزوه بیشتر جنبه اجتماعی دارد. مقاله دیگری با عنوان بررسی و تحلیل انتقاد و اعتراض اشعار شاعران پایداری (مقاومت) با تکیه بر اشعار ملک الشعرای بهار) توسط قانونی، حمیدرضا و پروین غلامحسینی، ۱۳۹۶، نوشته شده که در این پژوهش، ضمن تعریف ادبیات پایداری، ویژگی‌های آن به شرح و توضیح مهم‌ترین مولفه‌ها و درون‌مایه‌ها و اعتراض، در ملک الشعرای بهار، پرداخته شده است. مقاله‌ای دیگر با عنوان ادبیات اعتراض (ادبیات اجتماعی) و بازتاب آن در شعر شاعر مقاومت و پایداری (سیدحسن حسینی) در سال ۱۳۹۴ نوشته شده که در این مقاله ضمن برشمردن تعدادی از پیشگامان در شعر اعتراضی سید حسن حسینی را یکی از معاصرانی می‌داند که بخش عظیمی از سرودهایش را به موضوع اعتراض و انتقاد به فراموش شدن ارزش‌های انقلاب و جنگ اختصاص داده است.

۲. بحث (مروری بر ادوار و اشعار پایداری)

پیشینه شعر پایداری به گسترده‌گی تاریخ این سرزمین پهن‌آور است، اما «ادبیات پایداری در زبان فارسی به‌عنوان معادلی برای ادبیات مقاومت برگزیده شده است. اصطلاح ادبیات مقاومت را برای نخستین بار غسان کفانی برای تبیین خطوط اصلی جبهه فرهنگی و ادبی مبارزه با رژیم صهیونیستی به کار برد. وی نام مجموعه از شعرها و داستان‌های شاعران و نویسندگان معاصر فلسطینی را ادبیات مقاومت فلسطین گذاشت و بدین ترتیب، این

اصطلاح ابتدا در میان شاعران و نویسندگان عرب و سپس در تمام جهان رایج شد. این اصطلاح اگرچه جدید و مربوط به دوران معاصر است، اما بن‌مایه‌های این نوع ادبی را می‌توان در آثار ادبی پشتیبان به‌وضوح مشاهده کرد.» (ترابی، ۱۳۸۹)؛ و در واقع ادبیات مقاومت به شعرها، داستان‌ها، نمایشنامه‌ها، سروده‌ها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است و ادبیاتی است که کلام ادبی را در خدمت تعالی انسان و دفاع از آرمان‌های متعالی وی چون آزادی و آزادی‌خواهی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌جویی قرار می‌دهد. ادبیات پایداری و به‌تبع آن شعر مقاومت، شعر اعتراض، فریاد، پرخاشگری، شعر زندگی، مردی و مردانگی و درعین حال ستیهنده و طوفانی است و یا اینکه به‌جای شعر مقاومت می‌توانیم بگوییم شعر سازنده، شعر مردمی، شعر غم‌های ضروری، شعری که نتیجتاً در حرکت تعالی جامعه مؤثر است (جوهری گیلانی، ۱۳۷۸) که در شرایطی چون: اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی شکل می‌گیرند. عنصر اصلی ادبیات مقاومت یا پایداری، توده مردم است و ادبیات مقاومت بدون وجود این عنصر ممکن نخواهد بود. منظومه‌های حماسی معاصر را باید به‌عنوان شعر پایداری که یکی از شاخه‌های درخت تنومند ادبیات حماسی است، معرفی کرد که در هر روزگاری به شیوه خاصی نمود یافته است و باید دانست که ادبیات پارسی هیچ‌گاه از این‌گونه ادبی خالی نبوده است؛ و وجه اشتراک همه سروده‌ها با درون‌مایه و مضمون مقاومت و پایداری در (ادوار شعر معاصر: دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس و پس از جنگ)، ظلم‌ستیزی، مبارز با استبداد داخلی، بیگانگی‌ستیزی، عدالت‌خواهی و دعوت به استقامت در برابر دشمن بوده است. آزادخواهی، مبارزه برای برقراری عدالت اجتماعی، دفاع از ارزش‌های انسانی، عشق به انسان از دغدغه‌های همیشگی بشریت در طول تاریخ بوده و مقاومت در برابر تجاوزگران و حاکمان ظالم، از مهم‌ترین مفاهیم پایداری و مقاومت است و حتی در ادبیات فارسی (زندان سروده‌ها یا حبسیات) که گاه با سوز و آه و اندوه توأم است و گاه بیانگر پایداری و ایستادگی شاعری است که بی‌هیچ‌گناهی به زندان افتاده است، بخشی از سروده‌های ادب فارسی را تشکیل می‌دهند: «سروده‌های مسعود سعدسلمان، ناصر خسرو، خاقانی، ملک‌الشعرا، فرخی یزدی، سیدعلی موسوی گرمارودی که در تنگنای زندان و شکنجه‌ها سروده شده، آمیزه‌ای از تأثر، شکایت، انتقاد، سرکشی و پایداری است که پایگاه و جایگاه رفیعی به مجموعه شعر فارسی بخشیده است» (سنگری، ۱۳۸۵). ظلم‌ستیزی و مقاومت در مقابله با ظلم داخلی که خود شاخه‌ای از ادب پایداری است در شعر اغلب شاعران برجسته ایران به چشم می‌خورد. به‌طوری‌که می‌توان گفت: «نفس سرودن شاهنامه، شورشی آگاهانه بر ضد سلطه سیاسی

ترکان و استعمارگران بوده است» (سرامی، ۱۳۷۳) در نگاه فردوسی حکومت عدالت محور، حکومتی است که به مردم زور نگوید و در مقابل زورگویان و توانگران حامی مستضعفان و بیچارگان باشد.

ز دانا سخن بشنو ای شهریار جهان را بر این گونه آباد دار

چو خواهی که آزادباشی ز رنج بی آزار و رنج آینده گنج

بی آزاری زیردستان گزین بیابی ز هر کس به داد آفرین (فردوسی، ۱۳۷۸)

دهه چهل، هم از نظر تاریخی و اجتماعی و هم از نظر ادبی و فرهنگی، از مهم ترین دوره های تاریخ ادبیات معاصر ایران است. حکومت پهلوی با صلاحدید امریکا در بهمن ۱۳۴۱ پاره ای از اصلاحات سطحی اجتماعی و اقتصادی را با عنوان «انقلاب سفید» به اجرا گذاشت که با مخالفت اکثر مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) مواجه شد و قیام وسیع مذهبی «۱۵ خرداد ۱۳۴۲» را به دنبال داشت و گروه های مذهبی و ملی به غرب ستیزی روی آوردند. به طوری که «دهه چهل از پربارترین و شکوفاترین دوره های ادبیات نوگرا به شمار می رود. در این دهه شاعران و نویسندگان در زمینه های شعر نو، داستان نویسی، نمایشنامه نویسی، نقد، تحقیق و پژوهش های ادبی، فلسفی، جامعه شناسی، تاریخی و ... بهترین دستاوردهای خود را ارائه دادند» (حاکمی، ۱۳۷۳). رخداد سیاهکل در بهمن ۱۳۴۹ و طنین گسترده آن در فضای سیاسی - اجتماعی کشور را می توان نقطه اوج شعر مقاومت دانست و در پی این حوادث دیگری چون جنگ مخفی مسلحانه از سوی گروه های مبارز اعتراضی های گسترده دانشجویی، دستگیری ها، اعدام ها و ... فضای جامعه را به شدت سیاسی و ملتهد ساخت. بدین ترتیب شعر نو مقاومت فضای ادبی آن سال ها را تسخیر کرد از برجسته ترین شاعران شعر مقاومت دهه پنجاه می توان به: نعمت میرزازاده، شفیعی کدکنی، طاهره صفارزاده، سیدعلی موسوی گرمزودی، سعید سلطانپور، سیاوش کسرایی و ... اشاره کرد و پیامد مهم چنین وضعی، پدید آمدن شعر و شاعرانی بود که همچون دوران مشروطه، پر از شور و شعار و پر از جوش و خروش بود. شاعران این دوره درد آگاه، رسالت مدار و آرمان گرا بوده و مضامین شعری شان را از میان مردم برگزیده و همدوش و همزبان مردم بود و اما بعد از آن انقلاب اسلامی نیز همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ادبی کشور را متأثر و متحول ساخت و مقاومت پولادین و اراده آهنگین مردم در جنگ تحمیلی را نیز، زاینده ادبیات انقلاب دانست که در واقع از دستاوردهای ارزشمند و ماندگار دوران پایداری مردم در جنگ، تجلی «ادبیات مقاومت و پایداری» است و در شعر دهه شصت (از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸) ادبیات پایداری با تمامی مؤلفه های آن ظهوری تمام عیار دارد و شعر را وارد مرحله نوینی از حیات خود کرده است و اشعار حماسی و مهیج و مؤثری را پدید آورده است. به جرأت می توان گفت عامل توجه به

شعر پایداری در این دوره، پایداری و استقامت رزمندگان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بوده است. در این نبرد شاعر مقاومت، پاسدار ارزش‌هایی است که از راه ایثار و نثار خون انسان‌هایی با اهدافی والا و متعالی و مقدس به دست آمده است. سنگری در این باره گفته است: «ادبیات دفاع مقدس شرح احوال درونی و بیرونی مردان وزنانی است که به منظور حفظ شرف و حیثیت و فضایل انسانی در برابر تجاوزگران به پا خاستند. آثار ادبی مربوط به دفاع مقدس شامل ادبیات جبهه، ادبیات پشت جبهه، ادبیات مقاومت و دوران اسارت است.» (سنگری، ۱۳۸۰).

۱-۲. مضامین و مفاهیم اعتراضی در شعر مقاومت و پایداری

مهم‌ترین درون‌مایه‌های اعتراضی شاعران علاوه بر نکوهش غفلت و اعتراض به فقر و بی‌عدالتی و تبعیض، فراموش شدن شهیدان و ایثارگران، غرب‌زدگی، عافیت‌طلبی و بی‌دردی و غفلت برخی از مردم، دگرگونی و تحریف ارزش‌های انقلاب، سیاست‌زدگی، قدرت‌طلبی و زرپرستی و بی‌خبری مردم در امور اجتماعی و بی‌توجهی برخی مسئولان به دردهای مردم است و گاه اعتراض به سکوت مجامع جهانی، تجمل‌گرایی و دنیاطلبی، مذمت اهل ریا و فرصت‌طلبان، شکوه از شاعران سکوت اختیار کرده نسبت به جریان تلخ جنگ و ... از درون‌مایه‌ها و مضامین اشعار مقاومت و پایداری است که در واقع شاعر با مشاهده این بی‌دردی‌ها، غفلت‌ها و نادیده گرفتن حماسه‌های بزرگ جبهه موجی از اعتراض را در شعر برمی‌انگیزد. این موج اعتراضی رفته‌رفته همه شاعران را متأثر نموده و به صورت جریانی بارز و شاخص در سال‌های ۶۶ تا اوایل دهه هفتاد به اوج خود می‌رسد. این شیوه شعری، بعدها نوعی موضع‌گیری سیاسی تلقی و قلمداد شد. در بخشی از این سروده‌ها، شاعران فضای دوگانه جامعه را که جمعی مشغول ثروت‌اندوزی و جمع دیگر به ایثار و پاک‌بازی پرداخته‌اند، ترسیم می‌کنند. پیش‌تاز این جریان شعری را باید صفارزاده دانست و پس از او هراتی، امین‌پور، قزوه، حسینی و عزیزی و رحمدل و کاکایی و... که البته با مرور زمان اشعار اعتراضی، قزوه‌گوی سبقت را از سایر شاعران ربوده است.

۲-۲. اعتراض به تجمل‌گرایی و اشرانی‌گری

قزوه با تمام اعتقادات راسخش در اعتراض به بی‌عدالتی‌ها و موج اشراف‌زدگی مردمان و مدعیان بعد از جنگ حاضر به خودکشی است: گاه اعتراض به تجمل‌گرایی، پول‌پرستی و ظاهرپرستی است که نمونه آن را در این اشعار می‌توان دید: سلام آقای شعار / سلام آقای هوار / سلام آقای سه طبقه و نه طبقه / آقای محل / ایشان فرزند فلانی‌اند / قبول کن به عدالت نمی‌رسیم / از دست توله‌های خرس / بگذار خودم را چیز خور کنم (قزوه، ۱۳۸۴)

ای شهر چگونه پلکهایت را بسته‌ای / بر رقص عروسک‌ها / وقتی مردان رستاخیز / تعظیم می‌کنند و بزرگ می‌شوند / و بر برگه حقوق نماز وحشت می‌خوانند (همان)

بیا که پیکر خود را به خاک بسپاریم مگر برای چه روز است خاکساری ما

چنین که چشم ز فردای خویش پوشیدیم خدا قبول کند عذر شرمساری ما (کاکایی، ۱۳۸۷)

وقتی بهشت را به زر سرخ می‌خرید چشمانتان شکاف تنور قیامت است

یک‌سوی کاخ زرددلان سبزم می‌شود یک‌سوی چهره‌ها همه سرخ از خجالت است (قزوه، ۱۳۸۷)

رحمدل همواره بوی تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری به مشامش می‌رسد که متنعمان از سفره انقلاب می‌خواهند با سودجویی از خون شهیدان به مطامعشان دست یابند و به همین منظور به صراحت آن را در اشعارش بیان کرده و نهیب اعتراضی‌اش را با فریاد اعتراض به گوش مخاطبان می‌رساند:

شهر آلوده به رنگ است خدایا مپسند سفره ساده ما دامگه آز شود

بر میز مذاکرات با خون شهید بازی به روال دیپلماسی نکنید (رحمدل، ۱۳۸۶)

۳-۲. اعتراض به منفعت‌طلبان بی‌درد

قزوه سیاستمدارانی را که سهمی در پیروزی انقلاب و دستی بر تنورگرم انقلاب نداشتند و در روز سخت جنگ خود را به تغافل زده یا به صورت ظاهری به حمایت از رزمندگان اسلام پرداختند و فقط در پی مال‌اندوزی و جمع سرمایه‌ها و به دست آوردن جاه و مقام تلاش بودند، نکوهش کرده است و چشم‌انتظار آینده‌ای روشن است: مردی می‌آید از سمت بهشت‌زرها / با سربازانی پابرهنه / که از چشمانشان لاله می‌چکد / مردی می‌آید / که از شعار و حرف زیادی بدش می‌آید / مردی که به پاترول‌ها سواری نداده است / و کلکسیون ماشین ندارد! / فردا ستاره گل خواهد داد / ما خوشبخت می‌شویم / و زمین به آرزویش خواهد رسید (قزوه، ۱۳۸۴)

مرا به سکوت می‌خوانی؟ / شهیدان را بهانه می‌کنی؟ / آنان که رفته‌اند / بر پیشانی‌شان ستاره داشتند / و تو

مانده‌ای که فردا / چند ستاره بر شانۀات سبز شود! (قزوه، ۱۳۷۶)

در این دو روز عمر هر چند در پنجه غربت اسیریم دل‌بسته پرواز سرخیم، تنگ سلامت کی پذیریم (قزوه،

۱۳۷۶)

برای شاعران پایداری (رحمدل و قزوه) اندوهی جانکاه‌تر و حتی کشنده‌تر از آن نیست که کسانی بخواهند با نام «شقایق سیرتان» شهید به کام خویش کیسه بدوزند و به برآوردن مطامع خود مشغول باشند. رحمدل تازیانه نقد

خودزا برپیکر فرصت طلبان و سوءاستفاده کنندگان ازنام والای شهیدان و ادعاکنندگان دروغینی می‌نوازد که سعی بر آن دارند که از بستر آماده شده جامعه که مزین به خون شهیدان است، بهره‌برداری کنند:

ما چون شما شهید فروشی نمی‌کنیم فریاد را اسیر خموشی نمی‌کنیم
 با محتسب که ساغر ما را شکسته است همچوشی و مذاکره نوشی نمی‌کنیم
 ما شاعریم و نان سیاست نمی‌خوریم در حزب باد خانه‌به‌دوشی نمی‌کنیم
 یا بوسه بر انالالحق حلاج می‌زنیم یا ادعای دار به دوشی نمی‌کنیم

میراث ما ز عشق رجزهای سرخ ماست ما چون شما شهید فروشی نمی‌کنیم (رحمدل، ۱۳۸۶)
 شاپور خان به مشتری‌هایش سیگار وینستون تعارف می‌کند / و مطمئن است که قیمت سکه و طلا / پایین
 نمی‌آید / او فکر می‌کند هنوز هم خرمشهر / دست عراقی‌هاست! / و چقدر خوشحال است که پسرش را معاف
 کرده‌اند ... (قزوه، ۱۳۶۹)

۴-۲. اعتراض به کم‌رنگ شدن ارزش‌ها

شاعران گاهی به منظور آگاه نمودن مخاطب و حفظ ارزش‌ها، به بیان درد دل‌های شخصی خویش درباره جنگ و ارزش‌های مقدس آن می‌پردازند:

مبادایمان خون عشاق پامال گردد مبادا که این حرف‌ها قیل و هم قال گردد
 مبادا که در بال‌ها شوق پرواز میرد مبادا سکوت آید و جای آواز گیرد
 مبادا که من آید و در ره ما نشیند مبادا پی صحبت عشق اما نشیند

(بیگی حبیب آبادی، ۱۳۷۶)

علیرضا قزوه «عشق» را نه در زبان بلکه در عمل او جان‌نثاری می‌داند و به آنانی که به اندیشه‌های والای شهیدان خیانت می‌کنند، هشدار می‌دهد:

در عشق نمی‌توان زبان بازی کرد می‌باید ایستاد جانبازی کرد

از خون شهید شرم‌تان باد، مگر با حرمت لاله می‌توان بازی کرد (قزوه، ۱۳۸۷)

احمد عزیزی و شاعران پایداری‌گاه هنرمندانه اصول ثابت زبان را شکسته و هیجان‌ات و عواطف شاعرانه خودزا بدون ملاحظه بر زبان رانده و به عبارتی دیگر غبار عادت را از شعر زدوده اند و اصول قراردادی زبان را به چالش می‌کشند. به نظر می‌رسد عزیزی در شعرش از همه گله‌مند است، از نور و خورشید و گریز از شهادت و ستیزه کردن با شقایق (که نماد شهیدان است) و...

چرا ما از شهادت می‌گریزیم چرا ما با شقایق می‌ستیزیم
 چرا مانور را انکار کردیم چرا ما سایه را تکرار کردیم
 چرا آینه در زنگ است اینجا چرا خورشید کم‌رنگ است اینجا (عزیزی، ۱۳۷۵)

۵-۲. اعتراض به فقر و بی‌عدالتی‌ها

شاعر معترض که معتقد است شعر و هنرش به جامعه پیرامونش متعهد و ملتزم است، ظلم و ستم نابرابری را برنتابیده، در برابر انحرافات فکری و فرهنگی، انحطاط اخلاقی جامعه و از دست رفتن اصول و ارزش‌ها فریاد برمی‌آورد و از شعرش سلاحی کوبنده و بر آن علیه حاکمان ستمگر و عدالت‌گریز و وضع نامطلوب موجود می‌سازد و از میان شاعران پایداری می‌توان قزوه را نماد شاعر اعتراضی نامید که در میان اشعار دهه شصت و هفتاد بیشترین مفاهیم اعتراضی از جانب اوست که شعرهای سپید مولا و ویلا نداشت و از نخلستان تا خیابان و در روزگار قحطی زبان اعتراضی و انتقادی خود را چون تازیانه‌ای بر پیکر اجتماع و مسئولان و سودجویان و مروجان فرهنگ غربی و تجمل‌گرایی و ظاهرپرستی و ... می‌نوازد. شاعران متعهد با قلم تیز و بزنده خود بر تمام بی‌عدالتی‌ها و خوش‌گذرانی‌های مرفهان بی‌درد جامعه تاخته و شعرشان را در مسیر خدمت به تعالی و خوشبختی تمام انسان‌های رنج‌دیده و مسکین قرار داده و با یادکرد فضای زندگی ساده و حکومت عادلانه علی (ع) و همچنین کاخ‌های معاویه، مردم و دولت‌مردان را به ساده‌زیستی و عدالت‌خواهی دعوت می‌کنند: پا به آفتابی نهج‌البلاغه برگردید/ چرا نهج‌البلاغه را جدی نمی‌گیریم؟/ مولا، ویلا نداشت/ معاویه کاخ سبز داشت/ پیامبر به شکمش سنگ می‌بست/ امام سیب‌زمینی می‌خورد/ البته به شما توهین نشود. / بعضی برای جنگ شعار می‌دهند/ و خودشان از جاده شمال به جبهه می‌روند! (قزوه، ۱۳۸۷) فردا حقوق می‌دهند/ حقوق بشر/ و باجه شیاطین شلوغ است/ فردا حقوق می‌گیرند/ حقوق مستضعفین/ و من مساعده این برج‌جمالم را/ به ماهرویی دیگر حواله می‌دهم/ یک‌قدم مانده است به باجه برسم/ ... یک‌قدم دیگر به قدم‌های دوست باقی است/ یک‌قدم دیگر به خانه می‌روم/ با برنج و گوشت و ماهی/ و یک‌قدم دیگر کودکانم را به آغوش می‌کشم. (عزیزی، ۱۳۷۲)

حسینی در شعری به نام «قرن دو هزار بعلاوه یک» این‌گونه می‌سراید: انتخاب آدمی چیست/ زندگی یا مرگ تازه/ قرن طوفان تباهی/ قرن باران سیاهی/ گریه‌های از ته دل/ خنده‌های اشتباهی/ قرن خنجر خوردن دل را/ قرن تنهایی و تلخی/ فصل فقر و نامردی/ گورهای دسته‌جمعی/ خانه‌های انفرادی/ روزگار سست‌عهدی ... (حسینی،

۱۳۶۳)

اعتراض و نکوهش بی‌تفاوتان به دفاع مقدس

فراگیری مخاطبان شعر پایداری برکسی پوشیده نیست زیرا همه مردم جهان به نوعی ارتباط روحی و قلبی پیدا کرده و در حقیقت اشعار شاعران پایداری، روح «بیداری» و «آزادی خواهی و استکبارستیزی» را در کالبد همه مردمان تحت ستم دمیده است و امین پور سعی بر آن دارد که با زمزمه شعر جنگ، نهمی بر بی تفاوتان جنگ بزند و آنان را بیدار نماید: شعری برای جنگ سرودم/ دیدم/ حال و هوای جنگ ندارد/ گفتم: شاید ما هر چه گفته ایم/ از جنگ بوده است/ اما ما جنگ را نگفتیم/ ما جنگ را تنها شنیده ایم/ یا از ودای فاصله ها، دور دیده ایم/ ما جنگ را نبودیم/ بودن یعنی میان حادثه بودن. (امین پور، ۱۳۸۸) قزوه نیز عیش و نوش بی تفاوتان را به مسائل اجتماعی چنین بیان کرده است: این همه خون حجامت ملت بود / تا حاج آقا همچنان چلوکباب کوفت کند / تا قلیان بکشد / به تسبیح شاه و مقصودش بنازد / و با تلفن زیمنس معامله کند (قزوه، ۱۳۸۴) عظیمی مهر از بی توجهی و کم رنگ شدن کسانی که وجودشان را برای میهن نثار کردند، گله مند است و چنین گفته است:

دکتر که عکس های تو را دیده بود گفت این زخم کهنه است؛ مداوا نمی شود

در شهر مدتیست که در پیش پای تو دیگر به احترام کسی پا نمی شود

طعنه زده به دختر تو همکلاسی اش این سرفه ها برای تو با با نمی شود (عظیمی مهر، ۱۳۸۸)

۶-۲. اعتراض و عدالت طلبی

ادبیات پایداری، ادبیاتی انتقادی و تندخو و بی پرواست که شاعرش سکوت و بی تفاوتی پیشه نمی کند و همگان را به قیام، ایستادگی و ایثار و مقاومت دعوت کرده و فریاد اعتراض آمیز در کلامشان هویدا است. قزوه در برابر قربانی شدن ارزش های والای الهی و انسانی دست به تسامح و سازش نمی زند و باروح تحمیل و استبداد می ستیزد و شجاعانه عدالت را مطالبه می کند:

وقتی دل شکسته نیستان غربت است تنها بهشت گمشده ما عدالت است

ای قاتلان عاطفه! اینجا چه می کنید؟ اینجا که خاک پای شهیدان غربت است (قزوه، ۱۳۸۷)

اشعار پایداری، فریاد سرخ «عدالت خواهی»، «ظلم ستیزی» و «بیداری» از وجود غیرتمند شاعرانی متعهد و رسالت مدار است که به «انسان»، «صلح» و «آزادی» می اندیشند. به بیانی دیگر شعر مقاومت، الفبای پایداری در برابر قدرت های اهریمنی و انسان ستیزی است که شاعرانش راست قامت و عزت مدار، در برابر دشمنان قسم خورده «انسانیت» و راهزنان «صلح» و «عدالت» و «آزادی»، هرگز تن به تسلیم و سازش نمی دهند. از نگاه امین پور، جهانیان و نسل جوان بدانند که انقلاب و دفاع و پایداری و مقاومت مردم مسلمان گره خورده با حماسه کربلاست و تمام مردم سخت کوش دیار اسلامی حماسه آفرینان آن قیامند و آموزندگان درس پایداری و

استقامند که تاریخ هیچ‌گاه نام و یاد آن روزگاران و وقایع را از یاد نخواهند برد: خون او امروز در رگهای گل جاری است/ خون او در نبض بیداری است / خون او در آسمان پیداست/ خون او در سرخی رنگین‌کمان پیداست / این زمان، او را/ در میان لاله‌های سرخ باید جُست/ از میان خون پاک او در آن میدان/ باغی از گُل رُست/ روز عاشورا است/ باغ گل، لب‌تشنه و تنه‌است/ عشق اما همچنان با ماست (امین پور، ۱۳۸۸)

۷-۲. اعتراض به غفلت از یاد شهیدان

شاعران دفاع مقدس و پایداری از حس حسرت فراق و غربی برای گذشته به‌عنوان نوستالژی یا حس غریب بازگشت به گذشته از دست‌رفته، در اشعارشان استفاده کرده‌اند و ناله سر داده و شکایت نموده اندودلتنگی و غم و اندوه و ناامیدی و حسرت شاعران را می‌توان در اشعارشان مشاهده کرد:

چه تنها مانده امشب در مسیر سوگواری‌ها دل پر درد من با کوله‌بار شرمساری‌ها

هلا! ای لاله‌های آشنا بی‌پرده می‌گویم شمارا درد غربت کشت و ما را داغداری‌ها (قزوه، ۱۳۶۹)

قزوه در سروده شبلی و آتش خود آن‌چنان با حسرت و اندوه از روزهای دفاع مقدس یاد می‌کند و آرزوی بازگشت مردان آسمانی را دارد که می‌توانند با بازگشتشان، التیام‌بخش زخم‌ها و اندوهش باشند:

کاش برگردند یک‌شب / آسمان مردان خاکی پوش/ صبح رویانی که در باران آتش چهره می‌شستند / کاش برگردند / دستمال خونشان را / روی فرق چاک‌چاک خاک بگذارند... (قزوه، ۱۳۸۵)

شاعران مقاومت از شهیدانی می‌گویند که به هیچ‌ظلمی تن نداده و تمامی مشکلات و سختی‌ها را برای خود امتحان الهی و فرصت نابی دانسته و روحیه و شهادت‌طلبانه آنان مبتنی بر مرگی اختیاری است که خداوندان را به همه عطا نمی‌کند و شاعران حتی در حسرت از دادن این فرصت خودزا مورد عتاب قرار داده و از خداوند عذر شرمساری خود را می‌خواهند:

عاشقانه بمیریم شاید بمیریم شاید روزگاری است تا چاره‌ای غیر مردن نمانده است

از من و تو چه می‌خواهد این قوم مأیوس از تو چیزی نمانده است افسوس از من نمانده است

(کاکایی، ۱۳۸۷)

با اشتیاق زیارت یاران همدل گذشتند انگار تنها دل من از عاشقی بی‌نصیب است (قزوه، ۱۳۶۹)

علیرضا قزوه از زمره شاعران شاخصی است که در کارنامه شعرش به درون‌مایه اعتراض توجه خاصی کرده و به یکی از شاعران پیشرو در جریان شعر اعتراض تبدیل شده است. او با سروده‌های اعتراضی خود به‌ویژه در مجموعه‌های شعری از نخلستان تا خیابان و شبلی و آتش و سوره‌انگور به انتقاد و اعتراض علیه وضع موجود

پرداخته است. صادق! اینجا یکصد هزار حنجره سرخ/ و یک حنجره سبز/ ترانه صبر می خواندند/ بگذار صبر کنم/ اما روزی که نیستم/ از مردانی بگو که مشک پاره پاره صداقت را در دست داشتند/ و تمامت خویش را در پای عشق ریختند. زبان اعتراض قزوه نیز به دین به دنیا فروشان گشوده می شود که دشنه های خود را بر پشت دین زده اند:

هلا، دین فروشان دنیا پرست! سکوت شما پشت ما را شکست

چرا ره نبستید بر دشنه ها؟ ندادید آبی به لب تشنه ها (قزوه، ۱۳۶۹)

شاعر بازم از ریاکارانی انتقاد می کند که هنگام نیاز، دین فروشی می کنند یا با سکوت خود کمر مسلمانان و ملت را می شکنند؛ همچنین داغ دیانت را به پیشانی دارند اما خلاف ظاهر را در عمل نشان می دهند:

خموشید و آتش به جان می زنید زیونید و زخم زبان می زنید؟

اگر داغ دین بر جبین می زنید چرا دشنه بر پشت دین می زنید؟ (همان)

پیشانی تمامی شان داغ سجده داشت آنان که خیمه گاه مرا تیر می زدند (قزوه، ۱۳۹۳)

سیاست یتیم می شد اگر این «مادمازل» نبود / خانقاه غیرانتفاعی / مجهز به شعر و شمینه و یاهو / مریدهای تمام وقت می پذیرد / درویش های ترم چهارم / حلاج می شوند / عارف و شان نیمه مذکر / در آبشار زلف غسل می کنند (قزوه، ۱۳۸۴) مردان انقلاب بعد از این! / میز نهارتان را / بر نصف النهار بچینید / با طناب استوا / تاب بازی کنید / کفنمان را / بادیان کشتی تفریحی تان کنید / شبستان آفتابی (این صدای جانبازی است بی دست) (قزوه، ۱۳۶۹)

بی اعتنایی به شهدا و رزمندگان از دردهای اعتراضی شاعران پایداری است و عبدالجبار کاکایی در یکی از غزل های خود به نام «آهنگ لاله ها» با زبان شکوه آمیز می گوید که یاد شهیدان در حال فراموشی است و محبت نیز ایثارگری و از خودگذشتگی شهدا را یادآوری کرده است:

باز امشب ستاره ای سوی میعاد می رود بال در بال آسمان، همراه باد می رود

با دم گرم من بز، زخمه بر جان تار خویش باز آهنگ لاله ها دارد از یاد می رود (کاکایی، ۱۳۸۷)

۸-۲. اعتراض، رسالت شاعر متعهد

اعتراض شاعران پایداری به ویژه قزوه، متوجه همه مردم و سیاسیون شده و بسیار واضح و روشن سخن می گوید. این صراحت زیاد سبب می شود که ظرافت های ادبی شعرشان از دست برود و می شود گفت که رنگ و بوی اجتماعی شعرهای اعتراضی شان بر مضامین سیاسی اش می چربد و شاعر متعهد و با رسالت خود را موظف

می داند که باید از زبان تند و اعتراضی استفاده کند و قید سیاست بازی را بزند و وظیفه اش را در به کارگیری معانی و بیان خلاصه نکند: زخم زبان زدن و زبان تند و در هم کوبنده است / من فکر می کنم شاعری زخم زبان می خواهد / نه معانی نه بیان می خواهد / شاعر یعنی موی دماغ سیاست بازان / شاعری که با خیال راحت می خوابد اصلاً شاعر نیست (قزوه، ۱۳۸۷) رحمدل نیز در عین سکوت به فریاد شاعرانه اش می پردازد و پابندی بر سکوتش را فریاد می کشد:

در عین گریستن نمی خندم در نقطه جوش یخ نمی بندم

گر فرصت فریاد میسر نشود بر فلسفه سکوت پابندم (رحمدل، ۱۳۸۶)

امروز هم بینش هنرمندان/ از سقف تالارها بالاتر نمی رود / بهار برای مردم آواز می خواند / خدا برای مردم نقاشی می کشد / نقاش ها فکر می کنند زندگی یعنی فتح قله «پیکاسو» / خطاطها برای خدا خط و نشان می کشند / قصه نویس های شنگول / در زمستان جبهه انگور می خورند / شاعران را میل جاودانه شدن کور کرده است / شاعران کم حوصله شده اند / می ترسم روزی به نام تمدن / به گردن بعضی زنگوله بیندازند! / می ترسم شلوارهای «جین» و «چارلی» کار دستان بدهد / و شکلات های انگلیسی دهانمان را ببندد / گاوهای چشم چران، آزادانه در خیابان می چرند / پسر خوانده های مایکل جکسون به دانشگاه می روند (قزوه، ۱۳۶۹) قزوه در جای دیگری با زبانی کنایی و طنز آلودش شاعران امروز را نقد می کند و به نان به نرخ روز خوردن شاعران می تازد: شاعر وقت شناس شاعری است که نان را به نرخ روز می خورد (قزوه، ۱۳۶۹) و بی محابا شاعران را به باد تند انتقاد و اعتراض می گیرد بزرگ بینی را سرزنش می کند و آنان را به تواضع دعوت می کند و مانند مولانا خود را مقید به اوزان و... نمی داند و محتوی برایش بیش از هر چیزی مدنظر است و شاعر متعهد را چون طیب جامعه می داند و با داشتن دغدغه های اجتماعی بر ضرورت معانی و بیان تأکیدی ندارد: احساس می کنم برای شاعر شدن باید کوچک شد / باید سنگ شد / باید به دیوارها سلام کرد / به آنان که سند جعلی ستاره ها را / به پیشانی شان چسپاندند (قزوه، ۱۳۸۴) گاه مطالبه گری ها در عدالت طلبی و گاه در تضادهای اجتماعی و گاه در فراموشی یاد شهدا و برای سوء استفاده شیدان از نام و یاد شهداست:

سخت گمنامید، اما ای شقایق سیرتان کیسه می دوزند بانام شما، شیداها

با شما هستم که فردا کاسه سرهایتان خشت می گردد برای عافیت آبادها (قزوه، ۱۳۶۹)

قزوه یکی از مهم ترین علت های خواب غفلت جامعه خویش را گرایش به مظاهر مدرنیته، غرب زدگی، مُدگرایی و تجمل پرستی می داند: «ما با یک سماور برقی متمدن شدیم / و یاد گرفتیم بگویم / مرسی، عالی جناب...! /...»

سان گلاسه/ کافه گلاسه/ کاپوچینو و بستنی های هفت رنگ ایتالیایی/ کفاره این همه غفلتمان بود! (قزوه، ۱۳۸۴)
 بوفالوهای آمریکا خلیج فارس را شخم می زنند / برادرم با پوتین کهنه سربازیش / بسیج می شود.../ اما بعضی
 خاطرشان جمع است/ که ناوگان آمریکا / به استخرهای سرپوشیده شان کاری ندارد/ کامبیز خان دوست دارد
 پسرش را آلفرد صدا کند / آلفرد فکر می کند / از دماغ فیل افتاده است / برای همین می خواهد به هندوستان
 پناهنده شود! (قزوه، ۱۳۶۹)

۹-۲. اعتراض به عافیت طلبی

شاعران پایداری من جمله قزوه و کاکایی و... دل بسته پرواز سرخ اند و شدیداً عافیت طلبی را مورد نکوهش قرار
 داده و از زنده ماندن خود احساس شرم دارند:

ای سرو سبز پوش سبکبار ای نخل زخم خورده ایثار
 نام تو هم ردیف ستاره ست یک آسمان تجلی و تکرار

دیشب تورا در آینه دیدم بر دوش صد هزار سپیدار (کاکایی، ۱۳۸۷)

امروز اگر به سایه ای راحت نشسته ایم مرهون استقامت آن سبز قامتیم (قزوه، ۱۳۶۹)

قزوه سوءاستفاده شیدان و کیسه دوزان منفعت طلب را با ابیاتی توصیف نموده و یادآوری کرده که زمانی در جنگ
 تحمیلی فرزندان این مرزوبوم مظلومانه شهید می شدند، کسانی دیگر در ناز و نعمت و در پی دستیابی به جاه و
 مقام و زراندوزی بودند، امروز هم با سوءاستفاده از نام و اندیشه شهدا در تلاش اند هر چه بیشتر به اهداف پلید
 خود دست یابند.

دسته گل ها دسته دسته می روند از یادها شمع روشن کرده ای در رهگذار بادها

سخت گمنامید اما ای شقایق سیرتان کیسه می دوزند با نام شما، شیادها

با شما هستم که فردا کاسه سرهایتان خشت می گردد برای عافیت آبادها (قزوه، ۱۳۸۷)

غالباً زبان شعری رحمدل در سال های جنگ، زبانی یورش و خطابی است و او تلاش کرده است که از این
 ویژگی به نحو مطلوب در جهت ارتباط مؤثر و دوستانه و حسی و عاطفی بهره بگیرد. رحمدل نیز چون قزوه به
 مشکلات و غفلت های سال های بعد از جنگ نگاهی اعتراضی دارد واژ نگاه او معیارها و ارزش های کم رنگ
 و بی رنگ شده در جامعه امروزی او را به شدت آزرده خاطر نموده که عده ای عاشقی را دیوانگی دانسته و
 پرسشگری و مطالبه گری را روش دشمنان قلمداد کرده و توصیف شهیدان و ادامه راه آنان را به سوداگری قصه و
 افسانه متهم می کنند:

ما را به جرم عاشقی دیوانه خواندند پرسشگری را سیره بیگانه خواندند

ما را به جرم همگرایی با شهیدان سوداگران قصه و افسانه خواندند (رحمدل، ۱۳۸۶)

اعتراض را باید از درون مایه‌های پایداری دانست و آثار شاعران پایداری سرشار از اشعار اعتراضی است که هرکدام با شیوه‌ای مخصوص به خود در آثارشان به کار گرفته‌اند که این اعتراض‌ها گاه بی‌پروا و با جسارت تمام و گاه ملایم و گاه به صورتی تند و مستقیم بیان شده‌اند: به اعتقاد من هنوز شعر / از جنس اشهد ان لا اله الا الله است / شهادتین گل سرخ است / شناسنامه اشک است / این روزها گذرنامه‌های جعلی / دلارهای جعلی / و شعرهای جعلی / چقدر زیاد شده است / به اعتقاد من / هنوز شعر / فواره تبسم و درد است / باران خداست / بر جان آدمی (قزوه، ۱۳۶۹) قزوه در اعتراض‌هایش زبان سرخ خود را به یاری می‌طلبد و تازگی زبانش را وامدار شهیدان است:

ای چشم و زبان شهدا، هیچ زبانی چون حنجره‌ات مرا تازه نمی‌کرد (قزوه، ۱۳۸۴)

امین پور نیز باورش بر این است حرف و عملمان یکی بود و از آه و ناله دروغین بپرهیزیم و در مقابل ایثارگرانی که وجودشان را در راه میهن و مردم دادند، از دریغی دریغ نورزیم: ما که این همه برای عشق / آه و ناله دروغ می‌کنیم / راستی چرا / در رثای بی‌شمار عاشقان / که بی‌دریغ / خون خویش را نثار عشق می‌کنند / از نثار یک دریغ هم دریغ می‌کنیم؟ (امین پور، ۱۳۹۷)

در حقیقت قزوه و رحمدل و کاکایی از طریق اشعار اعتراضی خود به دنبال تحریک غیرمستقیم مخاطبان‌شان برای پیوستن به خیل رزمندگان می‌باشند و در واقع به شعر دفاع مقدس و جبهه‌ای سیاسی و اجتماعی بخشیده‌اند. ای کاش دنده اخلاصمان نمی‌شکست / ای کاش سجده ایمانمان / نمی‌پوسید / بیایید که گناهانمان را اعتراف کنیم / ما چقدر زود دچار فراموشی شدیم / باور کنید پیش‌تر / بهتر از این بودیم / بیایید استغفارکنیم / خدا ما را خواهد بخشید (قزوه، ۱۳۸۴) قزوه در شعر از نخلستان تا خیابان در میانه اعتراضات خود به تغییرات ناگهانی در ارزش‌های جامعه به بازیچه شدن ارزش‌های اسلامی اشاره می‌کند: در یک گوشه مردم با دو حلقه لاستیک خوشبخت می‌شدند / و در بالای شهر به نیت چهارده معصوم / آپارتمان‌های چهارده طبقه می‌ساختند (همان) بیا که پیکر خود را به خاک بسپاریم مگر برای چه روز است خاکساری ما

چنین که چشم ز فردای خویش پوشیدیم خدا قبول کند عذر شرمساری ما (کاکایی، ۱۳۸۷)

صادق آیا نمی‌بینی که شهر / حافظه‌اش را از دست داده است؟ / در سوگ گل‌های پرپر گفتیم و بسیار گفتیم /

امروز می‌بینم اما مضمون گل‌ها غریب است (کاکایی، ۱۳۸۷)

در عشق نمی‌توان زبان‌بازی کرد می‌باید ایستاد و جان بازی کرد

از خون شهید شرم‌تان باد مگر با حرمت لاله می‌توان بازی کرد (قزوه، ۱۳۸۴)

۱۰-۲. اعتراض به تغییر سبک زندگی

قزوه به تغییر سبک زندگی ایرانی و اسلامی و وضعیت ظاهری جامعه و آحاد مردم می‌تازد و در شعر از نخلستان تا خیابان آنان را به باد انتقاد می‌گیرد: دیروز در خیابان، زنی را دیدم/که ماتوهای سبک سامورایی را تبلیغ می‌کرد/با آستین‌های تنگ/ مخصوص آنان که با تیمم نماز می‌خوانند/و تاجری سه‌تیغه را/که به مرد شش میلیون دلاری محل نمی‌گذاشت/هزارتا چاقو می‌ساخت/همه‌اش را احتکار می‌کرد. (قزوه، ۱۳۷۶)

امروز پسر همسایه‌مان شهید شد/ اما این باعث نمی‌شود که ساسان /دوستانش را به قهوه و اسب‌سواری دعوت نکند / و برای سگش بستنی نخرد / شاپور خان اما عاشق فیلم‌های سرخپوستی است / و این را از افتخاراتش می‌داند (همان: ۴۸)

رحمدل نیز زبان انتقاد را به روی عافیت طلبان و سیاسیونی گشوده است که یاد و خاطرات شهدای وطن را به باد فراموشی می‌سپارند، گشوده است: مردان عروسکی / پیش پای بت‌های کاغذی / صف بسته‌اند / و آدم‌های ماکیاولی با قلم‌های روغنی / شکل مار می‌کشند / شهیدان زیر آوار خاطرات / زنده‌به‌گور می‌شوند / فریاد در حنجره‌ها حلق‌آویز می‌شود / و کبوتران بر عقربه‌های ساعت گورهای خاموش را نگاه کن برادرم / گورهای خاموش را / و آن سوی تر / سنگ‌تراشان / شعر تراشان / سیاست تراشان! (رحمدل، ۱۳۸۵)

قزوه و رحمدل و... با این اسلوب جدید شعری (اعتراض)، از سویی به بیان نخ‌نما و تکراری و... شعر دفاع مقدس در آن زمان، اعتراض علنی خود را اعلام کرده و از سوی دیگر با لحن طنزآلود و بیانی عینی گرا و جزءنگر و مدرن و درعین حال صراحت و جرأتی نه‌چندان پیچیده، جامعه شعری زمان خود را شگفت‌زده کردند. نگارنده معتقد است شاعر توانا و متبحر کسی است که بتواند هنرمندانه از دایره محدودیت‌ها و تنگناهای تصویری، خود را رهایی بخشد و قزوه که خود را شاعری رسالت‌مدار می‌داند که ب حرف دلش بدون هیچ تعارف و محدودیتی بیان می‌کند و جسورانه و بی‌پروا و معترضانه، عافیت طلبان و ریاکاران را مورد خطاب قرار می‌دهد که: بعضی‌ها برای جنگ شعار می‌دهند/و خودشان از جاده شمال /به جبهه می‌روند. (قزوه، ۱۳۸۴)

۳. نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که گرچه شاعران زیادی مانند رحمدل، امین پور، کاکایی، عزیزی، حسینی و... در ادبیات پایداری و اعتراضی خوش درخشیده‌اند؛ اما علیرضا قزوه یکی از پیشروان جریان شعر اعتراضی

در ادبیات معاصر است و اشعارش دارای محتوایی بیدارگرانه، اعتراضی، استکبار ستیزانه و عدالت جویانه بوده و موجی از آرمان خواهی در شعر او متجلی است و همین ویژگی‌ها، سروده‌هایش را در زمره اشعار مقاومت قرار می‌دهد و او را در بین معاصرانش ممتاز کرده است. او در اشعارش به تقبیح رفتارهای سودجویان و شیادانی پرداخته که بیشترین توجهشان به منافع فردی است و توانسته شعر نو و مقاومت را در خدمت مفاهیم اعتراضی درآورد و گویی اشعار اعتراضی خطابه‌ای توفنده‌اند که بنای درهم پیچیدن طومار زندگی غافلان از شهیدان و ارزش‌ها را دارد؛ گرچه در عین اعتراض در جهت آگاهی بخشی به آحاد مردم نیز قدم برمی‌دارد. بررسی‌ها انتقادات و اعتراض‌های بیشتر جنبه اجتماعی دارد و حتی تیغ تیز اعتراض‌هایش بسیار برنده تراز سایرین است و با بهره‌مندی از بیانی صریح و تازه و بی‌پرده، اعتراض و انتقادش را بی‌پروا تر از دیگران بیان می‌نماید و با به خدمت گرفتن آرایه‌های ادبی، هنرش را به نمایش گذاشته و گاه چون سخنوری متبهر خطابه‌اش را عرضه می‌دارد. قزوه را می‌توان از نمایندگان شعر سیاسی و اعتراضی در سال‌های جنگ و بعد از آن دانست که توانسته است با انتخاب واژگان خاص و منحصر به فردش با مخاطبانش ارتباط برقرار کند و پیام و فریاد عدالت‌جویی و مطالبه‌گرانه‌اش را به گوش دوست و دشمن برساند. او در شعر اعتراضی بر سایرین پیشی گرفته است و باید گفت که بیشترین مضامین و مفاهیم از موضع رسالت بیدارگرانه در راستای تکریم ارزش‌ها و احیای عدالت و آزادگی و توجه به راه و مکتب شهیدان و نکوهش غفلت و بی‌خبری مردم و... است؛ زیرا او ترویج فرهنگ رفاه‌طلبی و بی‌دردی و غرب‌گرایی و اشرافی‌گرایی را بر نمی‌تابد. پربسامدترین مفاهیم و مضامین اعتراضی و انتقادی‌اش را در مجموعه‌های شعری (از نخلستان تا خیابان و شبلی و آتش و سوره انگور) عرضه نموده و شهرتش را به‌عنوان شاعر اعتراضی در همین راستا کسب نموده است.

منابع

- امین پور، قیصر (۱۳۹۷). گل‌ها همه آفتاب گردانند، تهران: نشر مروارید.
- مجموعه کامل اشعار، تهران، مروارید. ۱۳۸۸- باقی نژاد، عباس، (۱۳۹۶) جلوه‌های اعتراض و مقاومت در شعر شفيعی کدکنی، دو فصلنامه ادبیات دفاع مقدس/دانشگاه شاهد/دوره ۱/شماره ۱-تهران.
- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۷). نامه‌پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه کرمان)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (۱۳۷۶). غریبانه. تهران: امیرکبیر.

ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۹). آشنایی با ادبیات مقاومت جهان. تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

جواهری گیلانی (شمس لنگرودی)، محمدتقی، ۱۳۷۸، تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد ۴، نشر مرکز، چاپ دوم. حاکمی، اسماعیل (۱۳۷۳). بررسی ادبیات انقلاب اسلامی از بعد عرفانی، مجموعه مقاله‌های بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سمت، صص ۱۲۸-۱۲۵.

حسینی، سید حسن (۱۳۶۳). هم‌صدا با حلق اسماعیل. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. حسینی مؤخر، سید محسن، نجات سید حمید، (۱۳۹۵) بررسی تطبیقی درون‌مایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه، شماره ۲، نشریه مطالعات تطبیقی فارسی و عربی، تهران.

خدیور، هادی و موسایی پرند، سکینه (۱۳۸۹)، ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده و موسوی گرمارودی، مجموعه مقالات سومین کنگره ملی ادبیات پایداری کرمان.

رحمدل، غلامرضا. (۱۳۸۶). بال‌بال ثانیه‌ها، تهران، نشر دهسرا.

رحمدل، غلامرضا. (۱۳۸۵)-گدازه‌های چاه و آه، تهران، نشر دهسرا.

سارتر، ژان پل (۱۳۸۸). ادبیات چیست، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: نیلوفر.

سرامی، قدمعلی (۱۳۷۳). از رنگ گل تا رنج خار: شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه، تهران: علمی فرهنگی.

سلیمی، حسین ادبیات اعتراض (ادبیات اجتماعی) و بازتاب آن در شعر شاعر مقاومت و پایداری (سید حسن

حسینی)، انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، دانشگاه محقق اردبیلی ۱۳۹۴، دوره ۱۰

سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

سنگری، محمدرضا (۱۳۸۵). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس: ادبیات پایداری در اسلام و ایران (جلد

۱)، ناشر: پالیزان، چاپ دوم.

(۱۳۸۰)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ج ۱، تهران، پالیزان.

عزیزی، احمد، (۱۳۷۲). زائران زاری. تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.

(۱۳۷۵). ملکوت تکلم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی

عظیمی مهر، اصغر (۱۳۸۸). خلسه در خون، تهران، فصل پنجم.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). شاهنامه، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس، بر مبنای چاپ مسکو.

قانونی، حمیدرضا و پروین، غلامحسینی، ۱۳۹۶، بررسی و تحلیل انتقاد و اعتراض اشعار شاعران پایداری (مقاومت) (با تکیه بر اشعار ملک الشعراء بهار)، دومین همایش ملی بازنشاسی مشاهیر و مفاخر خراسان در ادب پارسی، مشهد، دانشگاه فرهنگیان شهید مفتاح.

قزوه، علیرضا. (۱۳۸۴). شبلی و آتش. تهران: انتشارات اهل قلم

قزوه، علیرضا. (۱۳۶۹). از نخلستان تا خیابان. تهران: همراه.

قزوه، علیرضا. (۱۳۷۶). خورشیدهای گمشده. تهران: حوزه هنری.

قزوه، علیرضا. (۱۳۸۷). گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر ۴۱)، کتاب نیستان، تهران.

قزوه، علیرضا. (۱۳۹۳). با کاروان نیزه، تهران، انتشارات سوره مهر.

قزوه، علیرضا. (۱۳۸۵). قطار اندیمشک و ترانه‌های جنگ، نشر لوح زرین

کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۷). با سکوت حرف می‌زنم، تهران، نشر علم.

کافی، غلامرضا، ۱۳۸۷، ویژگی مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان، مجموعه مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری، به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی، کرمان: اداده کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

مرتضوی، سید جمال‌الدین، صادقی، پیمان، بررسی تطبیقی مضامین مقاومت و پایداری در شعر اقبال لاهوری، ملک الشعراء بهار و شهریار (۱۳۹۶) دانشگاه شهرکرد.

References

- Aminpour Qaisar (۲۰۱۷). Flowers are all sunflowers, Tehran: Morvarid Publishing House
- (۱۳۸۸), complete collection of poems, Tehran, Morvarid.
- Baghinejad, Abbas, (۲۰۱۶) Effects of protest and resistance in the poetry of Shafii Kadkani, Two-Quarter Literature of Holy Defense/Shahid University/Course ۱/Number ۱-Tehran, (page ۱-۱۴)
- Basiri, Mohammad Sadegh (۱۳۸۷). Nama Paydari (Collection of Articles of the First Congress of Sustainability Literature of Kerman University), Tehran: Foundation for the Preservation of the Works and Values of Holy Defence.
- Bigi Habibabadi, Parviz (۱۳۷۶). strangely Tehran: Amir Kabir.

- Torabi, Ziauddin. (۱۳۸۹). Acquaintance with world resistance literature. Tehran: Publications of the Foundation for the Preservation of the Works and Publication of the Values of Holy Defence.
- Javaheri Gilani (Shams Langroudi), Mohammad Taghi, ۱۳۷۸, Analytical History of New Poetry, Volume ۴, Center Publishing, Second Edition.
- Hakemi, Ismail (۱۳۷۳). Reviewing the literature of the Islamic Revolution from the mystical perspective, a collection of articles on the review of the literature of the Islamic Revolution. Tehran: Samit, pp. ۱۲۸-۱۲۵.
- Hosseini, Seyyed Hasan (۱۳۶۳). The same voice as Halq Ismail. Tehran: Art Department of Islamic Propaganda Organization.
- Hosseini Moakher, Seyed Mohsen, Nejat Seyed Hamid, (۵۱۱۵) comparative study of the theme of protest in the poetry of Ahmad Matar and Alireza Qazvah, No. ۲, Persian and Arabic Comparative Studies, Tehran
- Khadivar, Hadi and Musaei Parand, Sakineh (۲۰۰۹), Sustainability Literature in the Poems of Tahereh Safarzadeh and Mousavi Garmarodi, Proceedings of the Third National Congress of Sustainability Literature in Kerman.
- Rahmdel, Gholamreza. (۱۳۸۶). Bal Bal Sensaha, Tehran, Dehsara Publishing House.
- (۱۳۸۲) - Lavas of Chah and Ah, Tehran, Dehsara Publishing.
- Sarter, Jaan Paul (۱۳۸۸). What is literature, translated by Abolhasan Najafi and Mustafa Rahimi, Tehran: Nilofer.
- Serami, Gadamali (۱۳۷۳). From the color of the flower to the pain of the thorn: Morphology of Shahnameh stories, Tehran: Scientific and Cultural.
- Salimi, Hossein, protest literature (social literature) and its reflection in the poetry of the poet of resistance and stability (Sayed Hassan Hosseini), Association for the Promotion of Persian Language and Literature, Mohaghegh Ardabili University, ۱۳۹۴, period ۰۰

- Sangri, Mohammad Reza. (۱۳۸۹). Holy defense literature, Tehran: Foundation for the preservation and publication of the values of holy defense.
- (۱۳۸۵) Criticism and review of the literature of sacred defense poems: The literature of stability in Islam and Iran (Volume ۱), Publisher: Palisan, ۲nd edition.
- (۱۳۸۰), Criticism and review of the literature of sacred defense poems, vol. ۱, Palisan, Tehran.
- Azizi, Ahmed, (۱۳۷۲). Wailing pilgrims Tehran: Avai Noor Publishing House.
- . (۱۳۷۵) Malkot Teklam, Tehran: Scientific and Cultural Publications
- Azimi Mehr, Asghar (۱۳۸۸). Ecstasy in the blood, Tehran, the fifth chapter.
- Ferdowsi, Abulqasem (۱۳۷۸). Shahnameh, first edition, Tehran: Phoenix Publications, based on the Moscow edition.
- Ghanoni, Hamidreza and Parveen, Gholamhosseini, ۲۱۱۶, review and analysis of criticism and protest of the poems of resistance poets (relying on the poems of Malik Al-Shaarai Bahar), the second national conference on the recognition of Khorasan celebrities in Persian literature, Mashhad, Shahid Muftah Farhangian University.
- Qazvah, Alireza. (۱۳۸۴). Night and fire. Tehran: Ahle Qalam Publications
- . (۱۳۶۹) from the grove to the street. Tehran: Companion.
- (۱۳۷۶) Lost suns. Tehran: Hozha Hani.
- . (۱۳۸۷) selection of contemporary literature (poetry collection ۴۱), Kitab Nistan, Tehran.
- (۲۱۱۳) with Karvan Nizah, Tehran, Surah Mehr Publications.
- - (۱۳۸۵) Andimashk train and war songs, published by Loh Zarin
- Kakai, Abdul Jabbar (۱۳۸۷). I speak with silence, Tehran, Nasher Alam.
- Kafi, Gholamreza, ۲۱۱۷, common feature of resistance poetry in Iranian and world literature, collection of articles of the second sustainability literature congress, by the effort of Dr. Ahmad Amiri Khorasani, Kerman:

the total preservation of the works and publication of the values of sacred defense.

-Mortazavi, Seyyed Jamaluddin, Sadeghi, Peyman, a comparative study of the themes of resistance and stability in the poetry of Iqbal Lahori, Malek Shaara Bahar and Shahryar (۲۰۱۶), Shahrekord University

Abstract

Themes and concepts of protest in resistance poetry (With emphasis on Qazvah shorthand)

Nahid Hemti

Member of the Faculty of Persian Language and Literature Department,
.Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

The literature of sustainability is a collection of literary works whose main foundation is the resistance of the people of a country in the way of protecting the homeland and persistence against oppression and the critical and protest literature is a cry from the heart of committed poets who criticize the shortcomings and anomalies and injustices in the society. With the cry of freedom and perseverance, they bring down the whip of words on the oppressors and their goal is to create a spirit of stability in the people, and they put literary words in the service of human excellence, anti-tyranny, seeking justice and the stability of the Iranian nation in the eight years of holy defense was able to open new horizons in various fields, including poetry and literature and the poets of stable literature with a sense of religion and commitment to the people; They created the

opportunity to create valuable critical works for themselves With various topics and concepts such as Ashura and mystical themes, description of freedom, martyrdom, patriotism, and most importantly protest themes objection to luxury and worldliness, wave of protest arose in the poetry of poets of the resistance, especially Qazveh In this article, the protest and critical poems of these poets are investigated in an analytical and descriptive way which has resulted in Qazvah being the leader in this field with the aim of correcting anomalies and injustices and trying to explain and educate the people.

Key words: literature of resistance, stability, protest, Qazvah, martyrs.

